

ترجمه متون فکاهی



میش از صد و پنجاه حکایت شیرین از ملا نصرالدین

به زبان فارسی و انگلیسی



دکتر محمود افروز

استادیار دانشگاه اصفهان

سرشناسه	ملا نصرالدین، قرن ۴۷ق.
عنوان و نام پدیدآور	Nasreddin, Hoca
مشخصات نشر	ترجمه متون فکاهی بیش از صد و پنجاه حکایت شیرین از ملا نصرالدین به زبان فارسی و انگلیسی/ محمود افروز.
مشخصات ظاهری	اصفهان: چهارباغ، ۱۳۹۷.
شابک	۱۶۷ ص.: مصور (بخشی رنگی).
وضعیت فهرست نویسی	۹۷۸-۹۶۴-۷۲۸۲-۸۱-۹
یادداشت	فیبا
موضوع	انگلیسی - فارسی.
موضوع	لطیفه‌های ملا نصرالدین
موضوع	(Nasreddin Hoca (Anecdotes
موضوع	شوخی‌ها و بذله‌گویی‌های فارسی -- قرن ۸ق.
موضوع	Persian wit and humor -- 14th century
شناسه افزوده	افروز، محمود، ۱۳۶۳ - مترجم
شناسه افزوده	afrouz, Mahmoud
رده بندی کنگره	PIR۵۶۱۵ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	۸۴۷/۳۲
شماره کتابشناسی ملی	۹۷۸-۵۱۲



۰۳۱۰۶۷۳۰

۰۹۱۱۰۱۱۷۰۵۰۹

ترجمه متون فکاهی

دکتر محمود افروز

چاپ اول / ۱۳۹۷

چاپ / صحافی / تگار اصفهان

طرح جلد و صفحه آرایی: دکتر محمود افروز

مدیر تولید: سید ابوالحسن ششیع اف

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۸۲-۸۱-۹

www.chaharbagh-pub.com

فهرست

پیشگفتار	۴
فصل (۱)	۶
(الف) مکاتباتهای نصرالدین (فارسی)	۷
(ب) مکاتباتهای نصرالدین (انگلیسی)	۷۰
فصل (۲)	۱۳۳
فصل (۳)	۱۴۶
منابع	۱۶۶

پیشگفتار

در فصل نخست کتاب حاضر بیش از صد حکایت شیرین از ماجراهای نصرالدین به دو زبان نقل شده است. در بخش اول حکایت‌های فارسی و در بخش دوم حکایت‌ها به زبان انگلیسی است و در پاره‌ای موارد، حتی چند روایت از یک حکایت گنجانده شده است. در فصل دوم و سوم نیز به ترتیب شامل چهل حکایت شیرین و هجده حکایت مصور از ملا نصرالدین است. مضمون برخی از حکایت‌ها را می‌توان با مضمون پاره‌ای از داستان‌های منقول در قالب نثر و نظم، در کتاب بزرگانی چون مولانا و سعدی انطباق داد. در فصل اول، به عنوان مثال، خوانندگان عزیز می‌توانند پس از خواندن حکایت اول و دوم، آن را با دو حکایت زیر که از کتاب‌های «مثنوی معنوی» و «گلستان سعدی» انتخاب شده است، مقایسه کنند. همچنین، حکایت سوم تا حدی با مضمون حکایتی که در زیر ذکر شده است، شباهت دارد:

حکایت اول (مثنوی معنوی، دفتر اول)

آن یکی نقوی به کشتی در نشست	و به کشتیبان نمود آرت خود پرست
گفت هیچ از تو نخواندی؟ گفت لا	بخت نیم عمر تو شد بر فنا
دع شکسته گشت کشتیبان ز تاب	لیست آرت دم کشت خاموش از جواب
باد کشتی را به گردابی فکند	گفت کشتیبان دای نقوی بلر
هیچ دانی آ شنا کردن؟ بگو	گفت نه از من تو سئال میجو
گفت کل عمرت ای نقوی فناست	ز آنکه کشتی غرق در گرداب است
معو می‌باید نه تو اینجا بدان	کر تو معوی، بی نظر در آب
آب دریا مرده را بر سر نهد	ور بود زنده، ز دریا کی رهد؟
چون بمردی تو ز اوصاف بشر	بهر اسرار تو نهد بر فرق سر



حکایت دوم (گلستان سعدی، ۱۲۳)

شنیدم کوسپندی را بزرگی	رهانید از بهان و نشت کرگی
شبانگه کارد بر تلقش بمالید	روان کوسفند از وی بنالید
که از چنگال کرگم در ربودی	چو دیدم عاقبت خود کرک بودی



حکایت سوم (گلستان سعدی، ۹۱)

در روی به خانه پارسایی در آمد. پنداره که چست چیزی نیافت، دلتنگ شد پارسا را خبر شد کلیمی که بر آن فخته بود، در راه درد انداخت تا محروم نشود.



در پایان، عزیزان می توانند پس از خواندن حکایت چهارم، آن را با ابیات زیر که از دفتر دوم کتاب «مثنوی معنوی» انتخاب شده است، تطبیق دهند:

زار می‌نالید و بر می‌کوفت سر	که دگی در پیشی تابوت پدر
تا تو را در زیر شاکی بکشند	که پدر اثر کجالت می‌برد
نی درو قالی و نه در وی مصیر	نه بر نیت خانه‌ی تنگ و زحیر
نی درو بوی طعام و نه نشان	نی چراغ در شب و نه روز نان
نی یکی همسایه کو باشد پناه	نی درش معی و نه بام راه
چون رود در خانه‌ی کور و گبود	جسم تو کو بوسه و خنک بود
که درو نه روی می‌ماند نه رنگ	خانه‌ی بی زینهار و جای تنگ
وز دو دیده اشک ثوین می‌فشرد	زین نشتق اوصاف خانه می‌شرد
خانه این را خانه‌ی ما می‌برند	گفت بوفی با پدر ای ارجمند
گفت: بابا نشانی‌ها شنو	گفت بوفی را پدر: ایله مشنو
خانه ما است بی تردید و شک	ای نشانی‌ها که گفت او یک به یک
نه درش معی و نه صحن و نه بام	نی مصیر و نه چراغ و نه طعام

امید است کتاب حاضر برای کلیه خوانندگان عزیز، به ویژه علاقه مندان به یادگیری زبان انگلیسی، مفید

باشد.